

آینه

بحرین اسلامی

تحلیل سیاسی هفته

●...درباره ثبت‌نام برای نامزدی انتخابات ریاست‌جمهوری سخن بسیار است که با حاشیه‌های ناآزبرانگیز و مشاهده مواردی که اصلا در شان یک نظام نیست و بیشتر به یک شوی تبلیغاتی شباهت دارد همراه بود، ولی همه به این نتیجه رسیده‌اند که باید هرچه سریع‌تر برای ناصب‌بودن قوانین انتخاباتی و عدم بلوغ سیاسی در برخی افراد، چاره‌اندیشی کرد... عکس‌ها و مصاحبه‌های منتشرشده از برخی داوطلبان و رفتارها و گفتارهای نامتعارف و مسخره بعضی از آنها، همه و همه ناشی از غفلت مسئولین قانون‌گذاری در اصلاح قانون انتخابات است که عدم توجه به آن می‌تواند به وهن نظام بینجامد. قطعاً ثبت‌نام خانوادگی، ورود افراد بی‌سواد، دختر بچه‌ها و دانش‌آموزان و افرادی که به‌دنبال مطرح‌شدن و انتشار فیلم‌ها و تصاویرشان هستند، تنها افتخاری برای نظام نیست، بلکه نشان‌دهنده بی‌دروپیکری و بی‌ضابطه‌بودن یک امر خطیر در نظام سیاسی کشور است. بنابراین ثبت‌نام هزارو ۶۳۶ داوطلب نه تنها خبر خوشایندی تلقی نمی‌شود بلکه باید برای این فراوانی و حضور افراد بی‌کیفیت و فاقد صلاحیت تاسف خورد...

کیم‌تان

روحانی سال ۶۲ درباره لیبرالیسم اقتصادی به کیهان چه گفته بود؟

... نباید به دنبال پیچیدگی دستگاه‌های صنعتی برویم؛ زیرا این مسئله ما را از نظر صنعتی وابسته نگاه می‌دارد، باید برویم دنبال صنایع ساده غیرپیچیده و وزارتخانه‌های مربوطه باید در زمینه واردات دستگاه‌های صنعتی با یکدیگر هماهنگی داشته باشند که اگر ما در مورد یک دستگاه به نتایجی رسیدیم برای دیگر دستگاه‌ها مفید باشد و اینکه تا جایی که امکان دارد در زمینه رفع نیاز صنعتی نیازمان را از کشورهای جهان سومی تأمین کنیم؛ زیرا کشورهای آمریکایی‌لیستی ماهیت‌شان تجاوز و استثمار و توسعه‌طلبی است و ما هرچه رابطه‌مان را با آنها ضعیف‌تر کرده و با کشورهای جهان سوم خودمان را نزدیک بکنیم به نفع جمهوری اسلامی است...

اعتقاد

قانون اساسی و حق برابر اقلیت‌ها

علی نجفی توانا، حقوق‌دان...: با توجه به اینکه طبق اصول قانون اساسی همه مردم از حقوق برابر در کشور برخوردارند و هیچ تفاوتی جز به موجب قانون، بین ایرانیان وجود ندارد، برای اقلیت‌های دینی به جای دین اسلام (اقلیت‌های دینی که در قانون اساسی شناخته شده‌اند و از آنها اسم برده شده) باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند. طبیعی است بعد از ارائه مدارک و بیان مشخصات، هیئت‌های اجرایی با استعلام از مراجع ذریربط نسبت به تأیید صلاحیت یا عدم احراز افراد اقدام می‌کنند و بعد از اینکه در اجرای ماده ۴۶ مبادرت به این اقدام کردند و طبق ماده ۴۸ اظهارنظر نظارتی اعمال شد، افراد می‌توانند در صورتی که صلاحیت آنها تأیید نشده باشد، طبق تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مذکور نسبت به تصمیمات هیئت اجرایی به هیئت نظارت شهرستان یا استان در مورد نظرات هیئت نظارت شهرستان اعتراض خود را تنظیم و مستندات مربوطه را تقدیم کنند...

رأیت

درد مقبولیت

حسین کرلایی...: واقعیت این است که مردم حرف حق را می‌پذیرند، سخن درست را از نادرست تشخیص می‌دهند. اگر رئیس‌جمهور حرف حق و سخن درست بزند از او می‌پذیرند و نیازی نیست او را در دفاع از کارنامه دولت کسی یا کسانی به عنوان مکمل همراهی کند. این سؤال در ذهن بسیاری از مردم از جمله کسانی که در سال ۹۲ به روحانی رأی داده‌اند وجود دارد؛ «روحانی برای ما چه کرده است؟ نامزد «مکمل» و «متمم» دردی را دوا نمی‌کند و پاسخی را برای این پرسش‌ها نمی‌سازد... نامزد پوششی چه چیزی را می‌خواهد پوشش دهد؟ مأموریت پوشاندن ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها-ن آهم به فاصله یک ماه مانده به روز رأی‌گیری چه دردی از دردهای «مقبولیت» دولت را حل می‌کند؟ مسیر تبلیغات انتخابات نباید به سمتی برود که مردم شاهد شهبده‌بازی سیاسی باشند.

اعتقاد

پاسکاری در زمین سیاست

حسین قدبانی...: در دادی سیاست، لزوما همه چیز مطابق میل ما پیش نمی‌رود. صبح را با شنیدن خبری خوش، سرحال آغاز می‌کنیم، در حالی که غروب، خبری ناخوش، حال‌مان را خراب می‌کند!... جریان رقیب، از فرط کارنامه تهی، مجبور به آوردن «نامزد پوششی» شده که فی حد ذاته، مؤید ضعف این جماعت است، خوب است ما بمدد از تجربه تلخ انتخابات ۹۲ و لاقال و لاف‌های این مقطع، «هودار پوششی» همه این چند نامزد آمده برای تغییر باشیم! از یاد نبریم که هر چقدر «نامزد پوششی» مایه آبروریزی جبهه مقابل شده، ایده «هودار پوششی» چیزی جز تجلی بیشتر «وحدت برای تغییر» نیست! پس ما فعلاً از همه نامزدهای جبهه خودی حمایت می‌کنیم، تا برویم جلوتر! چهار سال تمام، مشاهده اثرات شوم تفرقه، گمان‌گافی است تا همه ما سر عقل بیایرد...

جماران: در پی ابلاغیه اخیر دبیر شورای نگهبان مبنی بر ضرورت جلوگیری از حضور اقلیت‌های دینی و مذهبی در انتخابات شورای اسلامی شهر با استناد به فرمایشات امام خمینی، «حمید روحانی» قائم‌مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) در نامه‌ای به او پاسخ داد.

در ابتدای این نامه، خلاصه آن آمده و در ادامه دلایل آن به صورت مشروح آمده است. در این نامه خطاب به آیت‌الله «احمد جنتی» دبیر شورای نگهبان آمده: «احتراما، با تقدیر از اهتمام ارزنده شورای محترم نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست‌جمهوری که ان‌شاء‌الله بستر انتخاباتی «سالم، بامنیّت و پرشور» را همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند فراهم می‌سازد، در رابطه با نامه اخیر حضرتعالی مبنی بر ابلاغ مغایرت تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون شوراها با موازین شرع که نتیجه آن اعلام عدم صلاحیت افراد غیرمسلمان (شامل اقلیت‌های به رسمیت شناخته‌شده در اصل ۱۳ قانون اساسی) برای عضویت در شورا‌های اسلامی شهر و روستا - در مناطقی که اکثریت اهالی مسلمان هستند - می‌باشد، از آنجا که در این نامه به فرمایشات مورخ ۱۲ مهر ۱۳۵۸ حضرت امام خمینی (رض) به‌عنوان مهم‌ترین مستند نظریه ابلاغی استناد شده است به نظر اینجانب (نه از موضع نهادی که در آن مسئولیت دارم بلکه به‌لحاظ اطلاعاتی که از آثار حضرت امام دارم صرفا به عنوان یک

سیاست

پاسخ قائم‌مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام به ابلاغیه اخیر آیت‌الله جنتی

شهروند مسلمان ایرانی) استناد مذکور بنا به دلایلی که عرض می‌کنم فاقد وجاهت است. خلاصه دلایل بدین قرار است:

تاریخ فرمایشات حضرت امام قبل از همه‌پرسی قانون اساسی و تشکیل مجلس بوده. مبنای انتخابات شوراها در سال ۵۸ قانون شورا‌های محلی (مصوب شورای انقلاب) بوده که در ماده ۳ آن تصریح شده بود: «انتخابات شوراها قطع نظر از ویژگی‌های مذهبی، نژادی، و زبانی انجام می‌شود و تمام ساکنان محل حق دارند در آن شرکت کنند» و در آیین‌نامه اجرایی آن نیز که به فرمان حضرت امام تصویب شده بود فقط قید وفاداری به نظام جمهوری اسلامی شرط شده بود. سخنان امام چندین ماه بعد از تصویب قوانین مذکور ایراد گردیده و ناظر بر شرایطی بود که کمونیست‌ها و گروه‌های ضد انقلاب با شعار نفوذ در شوراها قصد جلوگیری از تصویب قانون اساسی بر مبنای احکام اسلام را داشتند. سخنان امام اصلا در مقام تعیین شرایط برای ثبت‌نام و صلاحیت نامزدهای انتخابات شوراها نبوده بلکه خطاب به مردم و علما در آستانه برگزاری انتخابات شوراها و در مقام بیان ملاک‌های انتخاب صحیح بوده است. تأکید امام بر رأی‌دادن به افراد مسلمان و مؤمن منحصراً به انتخابات شوراها نبوده و در همه انتخابات‌ها وجود داشته و از این رهنمودها هیچ‌گاه تلقی نفی حق عضویت اقلیت‌ها در مجلس بررسی قانون اساسی و مجلس شورای



عکس

فراتر می‌گذریم، به

و برای اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال شده باشد. پیش و پس از این مراحل شورای نگهبان اجازه اظهارنظر ندارد. خصوصاً باید توجه کرد که اختیارات تمامی اجزای حکومتی، صرفاً محدود به موارد مصرح قانونی است و تجاوز از آن به منزله نقض قانون است. شورای نگهبان حتی به آیین‌نامه داخلی خود نیز عنایت نکرده و عملاً ملتزم نباشد؛ بنابراین طبق قانون پیروان سایر ادیان نیز می‌توانند در اجرای حق اساسی و ذاتی خود، داوطلب عضویت در شورای شهر بوده و اگر رأی مردم را کسب کردند، عضو شورا شوند. نتیجه اظهارنظر جدید دبیر شورای نگهبان درباره مغایرت تبصره ۱ ماده ۲۶ با شرع، این است که پیروان سایر ادیان از این پس نمی‌توانند به عضویت شورا‌های شهروروستا درآیند. در نتیجه این گروه از شهروندان جمهوری اسلامی به دلیل پیروی از دیگر ادیان رسمی کشور از حق انتخاب‌شدن در شورا‌های شهروروستا محرومند. ناگفته نماند که اگرچه به‌صراحت در نظریه شورای نگهبان نیامده است، ولی از مفاد آن می‌توان استنباط کرد که در هر شهر یا روستا که پیروان دین دیگری، غیر از اسلام اکثریت ساکنان محل را تشکیل می‌دهند، پیروان همان دین می‌توانند به عضویت شورا درآیند. اینک آنچه مورد بحث است این است که نظریه شورای نگهبان تا چه اندازه با معیارهای قانون اساسی حقوق ملت سازگار است و مستندات آن برای احراز مغایرت با شرع کافی است.

● **یکم**: مهم‌ترین و غیرحقوقی‌ترین نکته‌ای که در این نظریه شورای نگهبان وجود دارد، چیزی است که در آن نوشته نشده است، بلکه مبنا و اساس پنهان این نظریه است. شورای نگهبان بخشی از یک قانون را مغایر شرع اعلام کرده که قبلاً در ۱۳۷۵ همان را تأیید کرده و مغایرتی از حیث ظاهر شرع با قانون اساسی با شرع در آن ملاحظه نکرده است. در واقع شورای نگهبان برای خود قائل به این اختیار است که پس از بررسی یک قانون و اعلام عدم مغایرت آن با موازین شرعی و اصول قانون اساسی، هر زمان می‌تواند مجدداً و راساً اظهارنظر دیگری کرده و همان قانون را مغایر شرع با قانون اساسی اعلام کرده و آن را اعتبار ساقط کند. اما براساس مفاد قانون اساسی و بنیادهای منطقی حقوق و نظم عمومی پس از آنکه شورای نگهبان درباره یک مصوبه مجلس نظر موافق داد و این مصوبه «قانون» شد، دیگر شورای نگهبان مجاز به اظهارنظر نیست و نمی‌تواند در اظهارنظری دیگر آن قانون را مغایر شرع با قانون اساسی اعلام کند. بنا به اصل نودوپچهارم قانون اساسی «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه با قانون اساسی برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است». این اصل به وضوح محدوده اختیار شورای نگهبان برای اظهارنظر در مورد قوانین را ترسیم کرده است. به‌این‌ترتیب که شورای نگهبان فقط زمانی می‌تواند درباره یک مصوبه مجلس اظهار نظر کند که آن مصوبه بعد از طی مراحل قانونی، از تصویب نمایندگان گذشته

نمود. در ۲۰ سال گذشته نیز در تمام ادوار شورای نگهبان، ازجمله دوره کنونی، گفته نشد این تبصره با شرع مغایرت دارد. اینک چه اتفاقی افتاده است که شورای نگهبان به این مسئله پی برده است؟ اگرچه شورای نگهبان در مقام افتا نیست و نظرات شورای نگهبان «فتوا» محسوب نمی‌شود؛ اما بد نیست برای تنویر بحث، به عرف و روال علما در اظهارنظر فقهی نیز نظر بی‌اندخته شود. در عرف

آقایان مجتهدان و اصحاب فتوا، عدول از فتوا و تغییر آن به فتوایی دیگر، در حد استثنا امکان‌پذیر است و سابقه هم دارد. معروف‌ترین و شاید تازه‌ترین نمونه از این موارد، تغییر نظر حضرت امام درباره حرمت ماهیان غشروفی و شطرنج است؛ اما تغییر فتوا در مواردی اتفاق می‌افتد که با موضوع تغییر کرده باشد یا چیز جدیدی در موضوع کشف شود. در عرف جاری، تازمانی‌که موضوع تغییری نکرده باشد، فتوا نیز تغییر نمی‌کند، مگر آنکه نوع نگرش و فلسفه افتای صاحب فتوا تغییریاتی کرده باشد.

حال، از حیث روش‌شناسی اظهارنظر تازه و عدول شورای نگهبان از نظر پیشین، جای این پرسش باقی است که در حالی که تبصره ۱ ماده ۲۶، ۲۰ سال پیش به تأیید شورای نگهبان رسیده است و همچنان معتبر و مورد عمل بوده، چه اتفاقی افتاده است که موجب تغییر نظر شورای نگهبان شده است؟ در نامه دبیر محترم شورا، پاسخی به این سؤال یافت نمی‌شود. مستندی هم که شورای نگهبان در توجیه نظر خود آورده است، مطلقاً چیز تازه‌ای نیست. سخنان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در ۱۲ مهر ۱۳۵۸؛ یعنی ۳۸ سال پیش بیان شده و در تمام این مدت نیز در دسترس بوده است. آقایان فقهای مطرح شورا، در همان سال ۷۵ نیز از این بیانات مطلع بودند؛ بااین‌حال تبصره ۱ ماده ۲۶ افراد مغایر شرع ندانستند. از سوی دیگر، به نظر نمی‌رسد مفاد این سخرانی جنبه افتایی داشته باشد و بتواند به منزله یک نظریه فقهی تلقی شود. فتوا و نظر فقهی تابع شرایط اصول و شرایط خاص است. چنین نیست که هرآنچه یک فقیه می‌گوید، فتوا یا دقیقاً نظر فقهی باشد. گذشته از این، شورای نگهبان نظری نگهبان محلی می‌آوردند؛ چنان‌که در اصل صد و پانزدهم این شرط برای مقام ریاست‌جمهوری درج شده است، اما در سراسر قانون اساسی، از جمله اصول صدم تا صدوششم که اختصاص به شوراها دارد، چنین شرطی مقرر نیست؛ بنابراین با توجه به اینکه اصل این قانون به حق مشارکت و عضویت تمام ایرانیان در شوراهاست و غیرمسلمانان، از این حق استثنا نشده‌اند، طبق ساده‌ترین اصول تفسیر باید به اصل عمل کرد و مغایرتی با موازین اسلام ندارد. همان‌گونه که در تمام سال‌های گذشته نیز چنین بوده و پیروان همه ادیان رسمی کشور مجاز به نامزدی و برای عضویت در شوراها بوده‌اند، عدم ذکر «شرط دین» برای عضویت در شورای شهر در قانون اساسی، به معنای آن است که قانون اساسی، از نظر شرع و موازین اسلام، هیچ‌گونه مانع و ایرادی برای عضویت معتمدان سایر ادیان رسمی در شورا‌های محلی نمی‌بیند و نمی‌توان قائل به تبعیض و عدم تسای حقوق بود و آنها را از این حق اساسی و ذاتی محروم کرد.

اسلامی نشده است. قانون اساسی که به تنفیذ حضرت امام رسیده است بر حقوق اجتماعی و حق عضویت اقلیت‌ها در مجلس تصریح دارد. فرمایشات حضرت امام در سخنرانی مذکور را باید با دیگر نصوص بیانات ایشان درباره حقوق اقلیت‌ها نگرست. تصمیمات شورا‌های شهر و روستا از سنخ اجرایی است نه قانون‌گذاری و لذا بر طبق قانون اساسی نیاز به تأیید شورای نگهبان ندارند. امکان اخذ تصمیمات خلاف موازین شرع و یا قانون منحصراً به شورا‌هایی که اقلیت‌ها در آن عضویت دارند نمی‌باشد و شورا‌های تصمیم‌گیر نیز که تصمیماتشان برای شهروندان مسلمان لازم‌الاتباع می‌باشد منحصراً به شورا‌های شهر و روستا نمی‌باشد و عضویت پیروان اقلیت‌های رسمی در نهادهای اجرایی (به جز مواردی معدود) منع قانونی ندارد. به نظر فقیر، واگذاری مسئولیت همکاری و نظارت بر اداره امور شهر و روستا از سوی مردم به شورا‌ها تابع احکام وکالت است که در آن - به جز چند استثنای خاص - شرعاً قید مسلمان بودن شرط نشده است. از این حیث استناد به قاعده نفی سیل موضوعیت ندارد و اگر این قاعده مبنای نفی حق عضویت اقلیت‌ها در شورا‌های مناطقی که اکثریت اهالی آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند باشد به‌طریق اولی در مجلس بررسی قانون اساسی و شورای اسلامی می‌بایست جاری باشد که چنین نیست».

نقد حقوقی نظریه شورای نگهبان در ممنوعیت عضویت غیرمسلمانان در شورا‌های محلی

عضویت در شوراها مشروط به دین افراد نیست

اساسی تاسیس شده است، ثانیاً اجازه اظهارنظر درباره قوانین را از قانون اساسی گرفته است، ثالثاً اختیارات آن محدود به حدود قانون است.

به‌این‌ترتیب، درحالی‌که مجتهد فردا می‌تواند به تشخیص شرعی خود هر فتوایی را در هر زمانی صادر کند و به تشخیص خود حتی از فتوای خود عدول کند؛ اما هر نوع اظهارنظر شورای نگهبان محدود به حدود قانون اساسی، اختیارات قانونی و اقتضات ذاتی نظم حقوقی است. به همین ترتیب به مطالعه اصل نودوپچهارم قانون اساسی که عبارت «بررسی مصوبات مجلس» را به کار برده است، «بررسی مشخص است شورای نگهبان در مرحله‌ای می‌تواند نسبت به مغایرت مصوبه مجلس با شرع نظر دهد که آن مصوبه هنوز به قانون تبدیل نشده باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، زمانی مصوبه مجلس به قانون تبدیل می‌شود که از تأیید شورای نگهبان هم گذشته باشد. وقتی شورای نگهبان مصوبه مجلس را تأیید کرد و آن را مغایر شرع ندانست، وظیفه خود را به پایان رسانده و دیگر نمی‌تواند از آن عدول کند؛ چون قانون اساسی چنین اجازه‌ای نداده است.

● **چهارم**: تابعیت اشخاص ناشی از رابطه سیاسی فرد با یک دولت است. ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران نیز انواع مشخص استثنای این را تعریف کرده است. چه از نظر اصول حقوقی و چه از حیث قوانین جاری کشوری، نوع دین یا مذهب افراد، هیچ‌گونه تأثیری در تابعیت آنها ندارد. به همین دلیل است که مثلاً برای کسی که دارای تابعیت دولت ایران است، وصف «ایرانی» و صف اصلی است و اوصاف دیگر مانند دین یا جنسیت یا شغل یا هر وصف دیگری، اوصاف فرعی‌اند که اصالتاً اثری در حقوق اساسی وی ندارند. وقتی کسی دارای تابعیت یک دولت معین است، تحت حکومت کلیه قوانین همان حکومت بوده و از همه حقوق قانونی آن کشور برخوردار می‌شود. در قانون اساسی ایران نیز همه ایرانیان در برابر قانون مساوی‌اند و اوصاف فرعی آنها موجب هیچ امتیاز یا سلب امتیازی از آنها نیست (اصول نوزدهم و بیستم). حق انتخاب‌شدن و مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، یکی از همین حقوق است. اگرچه اوصاف عرضی مانند داشتن سن قانونی، داشتن سوبیشینه‌س مؤثر کفیری، فقدان تحصیلات مناسب و کافی، به‌طور موقت و اوصاف فرعی آنها موجب است که فرد بعضی کارها را انجام دهد، ولی اصل بر آن است که اوصاف ذاتی و کلی، مانند دین و مذهب و جنسیت، نمی‌تواند مانع از حقوق اساسی افراد شود یا موجب امتیاز خاصی برای او باشد. در قانون اساسی کشور، هیچ کجا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، برای عضویت در شورا‌های شهر، شرط «دین» افراد ذکر نشده است. قانون اساسی، به تصویب خبرگان اول و تنفیذ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی رسیده است و لاجرم باید گفت هرآنچه را از حیث موازین اسلام و معیارهای شرعی ضرور بوده در آن آورده‌اند. پس اگر از موازین اسلام ضروری می‌دیدند، شرط نامزدی در برابر عضویت در شوراها بوده‌اند، اما شورای نگهبان، از جمله «شرط دین» برای عضویت در شورای شهر در قانون اساسی، به معنای آن است که قانون اساسی، از نظر شرع و موازین اسلام، هیچ‌گونه مانع و ایرادی برای عضویت معتمدان سایر ادیان رسمی در شورا‌های محلی نمی‌بیند و نمی‌توان قائل به تبعیض و عدم تسای حقوق بود و آنها را از این حق اساسی و ذاتی محروم کرد.

ادامه از صفحه اول

رئییی در برابر رئییسی

از این منظر اگر سخت‌جانی قالیباف اصالت داشته باشد، قابل تأمل است اما گذشته او نشان می‌دهد بیش از آن که کششگر باشد، کشش‌پذیر است. بزرگ‌ترین خصیصه قالیباف آن است که تضاد چندانی با جایگاهی که در پی آن است ندارد، حال آنکه رئییسی خود را فراتر از این جایگاه می‌داند و اگر او به این جایگاه دست پیدا کند به‌دلیل همین تضاد با جایگاهش، یا به زبان دیگر تضاد فرم با محتوا امور کشور را دچار نوعی دگرگونی خواهد کرد. پس بی‌دلیل نیست که قالیباف بی‌محابی می‌تازد تا خود را دست‌کم به‌عنوان معاون اول رئیس‌جمهوری جا ببندازد، تا با توان اجرایی‌اش رئییسی را در سایه قرار دهد اما بعید است رئییسی در صورت پیروزی این جایگاه را به‌راحتی در اختیار قالیباف قرار دهد.

رمزگشایی از آرایش سیاسی کشور در انتخابات

آنها اما پاسخ این پرسش را نمی‌دهند که در سیاست خارجی با نگاه‌های بسته و غیرتعاملی چگونه می‌خواهند به برنامه‌های اقتصادی خود، جامه عمل بپوشانند؟ توسعه اقتصادی بدون جذب منابع و بدون حضور در بازارهای جهانی و بین‌المللی، چگونه متصور است؟ آیا در این نوع از توسعه اقتصادی، با اولویت‌بخشیدن به توسعه بخشی کشور را در بن‌بست قرار نخواهیم داد؟ شفاف‌سازی پیرامون دیدگاه‌های توسعه‌ای، تکلیف مردم را در رأی‌دادن به یکی از این دو جریان، روشن می‌کند.

آرایش سوم) فرهنگ و هنر، متن یا حاشیه؟

گسست نسل‌ها باید همه جریان‌های سیاسی مطرح کشور را به تأمل وا دارد؛ به‌ویژه هنگامی‌که به نسل چهارم- نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۷ سال- و دیدگاه‌ها، تمایلات و خواسته‌های متفاوت آنان و نیز نسل سومی‌ها، اندک توجهی کنیم. چگونه می‌توان برای متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تا متولدین ۸۰، از هرگونه توسعه صحبت کرد؛ اما به مقوله فرهنگ و هنر پرداخت و یا آزادی بیان و اندیشه را ندید؟ آرایش سیاسی کشور پیرامون مقوله فرهنگ و هنر نیز، شکل گرفته است. اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان، آزادی‌اندیشه و بیان را در عرصه‌های فرهنگ، هنر و رسانه، حاشیه‌قلمداد نمی‌کنند و بارها نشان داده‌اند که به آن التزام دارند. ما نیز باید بدانیم که با نسل‌ها باید با چه ج‌ای‌هایی سخن بگوییم؟ وقتی این نسل در فضای وب و با زبان جهانی زندگی می‌کند و در فضای واقعی- یعنی ایران- با برخی تعارض‌ها مواجه می‌شود، بی‌تردید پرتشن‌هایی در ذهن او شکل می‌گیرد. هنرمندی جناح‌های کشور آن است که از کنار این پرسش‌ها به‌شدت هانگ نگردند و بسیاری از آنها را با زبان فرهنگ، هنر و رسانه- به پشتوانه داشته‌های غنی ارزشی، سنتی و بومی- پاسخ گویند. اصولگرایان، دیدگاه خود را درباره فرهنگ و هنر، با لغو کنسرت‌ها، توقیف برخی از فیلم‌ها، برهم‌زدن مراسم‌ها، ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران، نشان داده‌اند و نیز بر این باور هستند که عملاً فرهنگ و هنر نه تنها متن نیست که حاشیه‌ای ضعیف تلقی می‌شود.

آرایش آخر) نخبه گرایی یا پوپولیسم؟

شکل‌گیری آرایش سیاسی انتخابات پیش‌رو، حول دو محور نخبه‌گرایی و پوپولیسم یا عوام‌گرایی، در جای خود قابل تأمل است. شاید توجه صرف به نخبگان همان اندازه دارای ایراد باشد که توجه‌کردن به عوام با روش‌های غیرصادقانه و نا شفاف.

اقتشار میانی که عموماً میل به نخبگان دارند، در آرایش سیاسی انتخابات پیش‌رو و در موفقیت هر کدام از این دو نقش ایفا خواهند کرد. تجربه سال ۹۲ نشان داد که جو غالب در شبکه‌های اجتماعی زیرساخت رأی مردم به دولت تدبیر و امید بود و همین فضا امروزه در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود، با وجود این، تأکید اصولگرایان بر روستایان و حاشیه‌نشینان شهرها از سر دگرگونی ملموس فرهنگی زندگی ایشان نیست، بلکه بیشتر رنگ پوپولیستی و عوام‌گرایانه دارد. کشاورزان که امروزه در روستاها با مشکلات متعدد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، با یارانه و شمعارهای عوام‌فریبانه- در چند سال آینده- همین روستا را به‌عنوان یک پایگاه جدی برای تولید از دست خواهند داد. از قضا نخبه‌گرایی و تلاش برای حل بحران خشک‌سالی از طریق اجرای سیستم مکانیزه آبیاری و طرح‌های پایدار، قابل تحسین خواهد بود؛ نه شعارهای عوام‌گرایانه یا وعده‌های غیرصادقانه. تردید نباید کرد که مؤلفه نخبه‌گرایی- و نقطه ضعف قابل‌ان- عملاً آرایش سیاسی انتخابات را شکل داده است.

با وجود این، مردم بارها نشان داده‌اند که در مقاطع حساس، آینده خویش را بر وعده‌های غیرعملی و عوام‌گرایانه ترجیح داده و گفتمان آرایش سیاسی کشور را رمزگشایی کرده و راه صحیح را برگزیده‌اند.